

سیاه

درخشش یک نا-رنگ

کُن بدیو

ترجمه: محمدعلی ابراهیمی





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۴۳۹-۳-۰

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۲۵۳۲۶۵

عنوان و نام پدیدآور: سیاه: درخشش یک نا-رنگ / آلن بدیو؛

[ترجمه از فرانسه به انگلیسی] سوزان اسپیتزر؛ ترجمه فرید دبیرمقدم.

مشخصات نشر: تهران: نشرمشکی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص:، ۱۴،۵ x ۲۱ س م.

یادداشت: عنوان اصلی به انگلیسی: *Black: the brilliance of a non-color*, 2017

موضوع: رنگ – جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: color – Psychological aspects

موضوع: رنگ – جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Color – Social aspects

موضوع: سمبولیسم رنگ‌ها

موضوع: symbolism of colors

رده‌بندی دیویی: ۱۵۲/۱۴۵

رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۷ ب۹ / BF۷۸۹

سرشناسه: بادیو، آلن، ۱۹۳۷- م.

Badiou, Alain

شناسه افزوده: اسپیتزر، سوزان، مترجم

شناسه افزوده: Spitzer, Susan

شناسه افزوده: دبیرمقدم، فرید، ۱۳۶۹-، مترجم

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Black

The brilliance of a non-color

Alain Badiou


Translated to English by Susan Spitzer

Polity Press, 2017

سیاہ

سیاه، درخشش یک نا-رنگ - آلن بدیو - ترجمه فرید دبیرمقدم

نسخه‌پردازیِ مهران موسوی - لیتوگرافی و چاپ آرتا - صحافی فرانگر - چاپ نخست ۱۳۹۷

شمارگان ۵۰۰ -  - تهران - نشر مشکی ۸ ۰۰۹ ۸ ۰۰۶ ۷۷

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به هر صورت (انتشار الکترونیکی، چاپ،

فتوکی، تصویر، صوت) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

w w w . m e s h k i p u b l i c a t i o n . c o m

i n f o @ m e s h k i p u b l i c a t i o n . c o m

  @ m e s h k i p u b l i c a t i o n

 @ m e s h k i p u b

سیاه

درخشش یک نا-رنگ

آلن بدیو

ترجمه فرید دبیرمقدم

فهرست

- ۹ یادداشت مترجم فارسی
- ۱۵ یادداشت مترجم انگلیسی

کودکی و جوانی

- ۱۹ سیاه نظامی
- ۲۱ زنگ نیمه شب
- ۲۶ سگ سیاه در تاریکی
- ۲۹ دوات
- ۳۲ گچ و مازیک
- ۳۵ سردرگمی‌ها

دیالکتیک سیاه

- ۴۱ ابهامات دیالکتیکی
- ۴۴ روح‌های سیاه
- ۴۷ ماورای سیاه سولاژ
- ۵۱ پرچم‌ها
- ۵۶ سرخ و سیاه. و سفید. و بنفش
- ۵۹ استاندال: سرخ و سیاه
- ۶۲ میل سیاه به سیاهی / میل سیاه سیاهی

پوشش

- ۶۷ طنز سیاه، یا سیاه در برابر سیاه
- ۷۰ ظاهر بیرونی

فیزیک، زیست‌شناسی و انسان‌شناسی

- ۷۵ سیاه استعاری کیهان
- ۷۹ سیاهی پنهان گیاهان
- ۸۵ سیاه حیوانات
- ۸۹ ابداعی از سوی سفیدپوستان
- ۱۰۳ یادداشت‌ها
- ۱۱۳ نام‌نامه گزیده

یادداشت مترجم فارسی

In the old age black was not counted fair,
Or if it were, it bore not beauty's name.
(Shakespeare, sonnet 127)

کتاب حاضر در میان کتاب‌های کوچکی که از آلن بدیو در سال‌های اخیر منتشر شده منحصر به فرد است — نه همچون درستایش تئاتر، درستایش عشق^۱ یا چه باید کرد^۲ متن پیاده شده مصاحبه‌ای با اوست و نه همچون زخم‌مان چندان تازه نیست^۳ یا زندگی حقیقی^۴ متن پیاده شده سمینارها یا درس‌گفتارهایش. این کتاب از ابتدا به قصد خواننده شدن نوشته شده است. این خصلت مکتوبِ متن امکان فرمی از نوشتن و فکر کردن را در اختیار بدیو گذاشته که تا آنجا که من اطلاع دارم در آثار او بی‌سابقه است: قطعه‌نویسی. کتاب شامل بیست و یک قطعه کوتاه در چهار

بخش است. این قطعات نثری موجز و طنزی ظریف دارند و ترکیبی اند از خاطرات شخصی و تأملاتی فلسفی دربارهٔ سیاه. این فرم از آن جهت جالب توجه است که یکی از ویژگی‌هایی که بدیورا از گفتارهای فلسفی رایج متمایز می‌سازد «خصلت نظام‌مند و منسجم تفکر فلسفی او و تلاش او برای ساختن یک دستگاه فلسفی (در تقابل با نظریه‌های معطوف به پایان فلسفه و تکه‌پاره شدن آن) ... است».^۶

نیچه در فراسوی نیک و بد، با همان لحن تحریک‌آمیز همیشگی‌اش، ادعایی غریب در مورد رابطهٔ فلسفه و خاطرات شخصی فیلسوفان مطرح می‌کند: «رفته‌رفته بر من روشن شده است که هر فلسفهٔ بزرگ تاکنون چه بوده است: چیزی نبوده است جز اعترافات شخصی مؤلفش و نوعی خاطره‌نویسی ناخواسته و نادانسته.»^۷ بدیو در بخش اول این کتاب، «کودکی و جوانی»، پیچی به این ادعای نیچه می‌دهد و خواسته و دانسته دست به خاطره‌نویسی می‌زند، آن‌هم با محوریت رنگ سیاه. اما این خاطرات از جنس نوستالژی‌های مرد سالخورده‌ای نیستند که در حسرت دوران طلایی از دست‌رفته‌اش می‌سوزد و حتمیت بی‌رحم زمانه دفتر خوش ایام شبابش را ورق زده است. این خاطرات سرشارند از سرخوردگی، یأس، اضطراب و سردرگمی که همگی‌شان در ذهن نویسنده با سیاه پیوند خورده‌اند. بنابراین، یک وجه شخصی کار بدیو در این کتاب احضار خاطرات سیاه و نوعی جن‌گیری از وجه سیاه آن‌هاست. در اینجا، سیاه کارکردی همچون استعارهٔ نیزهٔ تلفوس دارد: همان چیزی که زخم زده

همان هم درمان می‌کند.^۸ طرفه آنکه به‌گفته کارل کرنی، متخصص مجار در فقه‌اللغه کلاسیک و از بنیان‌گذاران مطالعات مدرن در اساطیریونان، تلفوس در زبان یونانی باستان به معنای «بسیار درخشنده» است.^۹ از این رو، استعاره تلفوس در ارتباط با عنوان این کتاب مؤکد نیز می‌شود. این کارکرد سیاه شبیه همان کارکردی است که طنز سیاه در مواجهه با سیاهی مرگ دارد و بدیو در یکی از قطعات این کتاب به آن می‌پردازد. در یک کلام، گویی برای درمان زخم‌های روحی‌ای که سیاه بر جای گذاشته باید دوباره به سراغ خود سیاه رفت.

پس از بخش اول، بدیو در ادامه کتاب صورتی فلکی (constellation) در آسمان سیاه می‌سازد و از جایگاهی که نظاره‌گر این آسمان است خطوطی فرضی برحسب ذوق یا ضرورت میان پدیده‌های مختلف مرتبط با سیاه ترسیم می‌کند – از پرچم و لباس کشیشان و کلاه سیلندر گرفته تا سیاه‌چاله‌ها و حیوانات سیاه‌رنگ. شاید جذاب‌ترین ویژگی این صورت فلکی وفور ارجاعات ادبی در کل کتاب است، از ویکتور هوگو و پل والرئ گرفته تا استفان مالارمه و اِمه سزر (به جز دو مورد، استاندال و الکساندر دوما، باقی ارجاعات همگی به شاعران است). بدیو همواره بر نقش تعیین‌کننده ادبیات در شکل‌گیری فلسفه‌اش تأکید داشته است و حتی در اواخر کتاب منطق جهان‌ها اعلام می‌کند تمام فلسفه‌اش شاید تلاشی بوده برای فهم آثار بکت و مالارمه.^{۱۰} اما بدیو در این کتاب برخوردی متمایز از کتاب‌های دیگرش با ادبیات دارد. به‌گفته ژان ژاک لوسرکل در

کتاب بدیو و دلوز ادبیات می‌خوانند، شیوه خوانش بدیو از شعر بدین نحو است که «نثر نهفته»ی (latent prose) شعر را پیدا می‌کند و سپس از این نثر نهفته به شعر بازمی‌گردد تا شعر را از آن (appropriate) دستگاه معظم فلسفی خود کند.^{۱۱} برای نمونه، بدیو در کتاب نظریه سوژه به این ترتیب به سراغ شعر «آواز سیرن» مالارمه می‌رود: ابتدا شعر را به صورت کامل نقل می‌کند، خلاصه‌ای به نثر از آن می‌دهد، نحو برخی مصراع‌ها و معنی برخی کلمات را توضیح می‌دهد، زنجیره استعاره‌ها و مجازهای مرسل را به صورت نمودار ترسیم می‌کند، شعر را به زبان نظری خود ترجمه می‌کند و در آخر شعر را به ساحت سیاست انقلابی منتقل می‌کند.^{۱۲} اما در این کتاب آثار ادبی از آن دستگاه فلسفی او نمی‌شوند، بلکه نثرش را پربارتر می‌کنند و نگاه تیزبین شاعران راهنمای او می‌شوند تا روی دیگر سیاه را ببینند. این تمایز به احتمال قوی ریشه در این دارد که بدیو در این کتاب به دنبال شرح و بسط دستگاه فلسفی خود نیست و کتاب خصلتی نظام‌مند به معنای متعارف کلمه را در تفکر دنبال نمی‌کند.

اما کار بدیو در این کتاب به گمانم سطح دیگری نیز دارد: نوعی اعاده حیثیت از سیاه می‌کند، آن‌هم در زمانه‌ای که پرچم «دزدان صحرايي داعش» (تعبیر بدیو در قطعۀ «پرچم‌ها») به رنگ سیاه است، پرچمی که بر فراز گردن زنی‌های دسته‌جمعی‌شان به اهتزاز درمی‌آید. همان‌گونه که بدیو در سرتاسر کتاب اشاره می‌کند، مدت‌های مدیدی است که سیاه نماد و تداعی‌گر غیاب نور، ناپاکی، ارتجاع، مرگ، اندوه، نیهیلیسم،

جادوگران، سیاه‌پوشان هوادار موسولینی، موجودات بدشگونی همچون کلاغ‌ها و... است. در این پس‌زمینه، بدیو می‌کوشد روی دیگر سیاه را برجسته سازد و چهرهٔ اهریمنی‌ای را که انسان به آن بخشیده بزداید: سیاهی ریشه‌های درختان که مولد حیات و سرسبزی طبیعت است، پیوند سیاه با میل بشری و نقش آن در شکل‌گیری ابرؤ میل، وقار و سادگی بی‌تکلف لباس سیاه، خصلت التیام‌بخش طنز سیاه در مواجهه با مرگ عزیزان مان و... شاید مهم‌ترین اعادهٔ حیثیت از سیاه در دسته‌بندی انسان‌ها براساس رنگ پوست‌شان روی می‌دهد. در قطعهٔ آخر کتاب، «ابداعی از سوی سفیدپوستان»، بدیو دست روی یکی از زخم‌های کهنهٔ تمدن غرب می‌گذارد: مسئلهٔ سیاه‌پوستان. این قطعه، طولانی‌ترین قطعهٔ کتاب، با مروری بر سرگذشت سیاه‌پوستان از بردگی تا شکل‌های گوناگون مبارزات آن‌ها از زمان توسن لوورتور در اواخر قرن هجدهم تا جنبش‌ها و چهره‌های انقلابی قرن بیستم در آفریقا، فرایند طولانی انحلال دیالکتیک سیاه - سفید را در جهت کلی‌گرایی سیاسی دنبال می‌کند. به‌زعم بدیو، سیاست رهایی‌بخش نمی‌تواند هیچ ارتباطی با رنگ‌ها داشته باشد و «بشریت فی‌نفسه فاقد رنگ است».

ترجمهٔ حاضر از ترجمهٔ انگلیسی سوزان اسپیتزر (نشر پالیتی، ۲۰۱۷) صورت گرفته، اما در طول ترجمه همواره متن فرانسé کتاب پیش رویم بود و تا جایی که دانشم از این زبان امکان می‌داد از آن استفاده

کردم. بدیو در این کتاب نیز همچون اغلب موارد به منابع مکتوب ارجاع نمی‌دهد، نکته‌ای که دست‌کم مترجمان انگلیسی دو کتاب فرضیه‌کمونیسیم^۳ و دست‌نامه نازیباشناسی^۴ به آن اشاره می‌کنند. از این رو، تمام یادداشت‌های سیاه متعلق‌اند به مترجم انگلیسی (با نشانه «مترجم انگلیسی») یا مترجم فارسی (بدون نشانه) و در انتهای کتاب درج شده‌اند. در پایان، از آقای مهران موسوی بابت نسخه‌پردازی این کتاب تشکر می‌کنم.

— فرید دبیرمقدم